

بررسی ریشه‌های داخلی نواقصدارگرایی در آسیای مرکزی

در چارچوب الگوی نئوپاتریمونیالیستی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱۸

احسان فلاحی^۱

محمد علی بصیری^{۲*}

چکیده

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و نابودی تام‌گرایی کمونیستی، زمینه برای تقویت دموکراسی در جمهوری‌های تازه‌استقلال یافته مهیا شد. تدوین قوانین اساسی مبتنی بر انتخابات آزاد، از اتمام دوران اقتدارگرایی در این جمهوری‌ها حکایت داشت اما در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰، الگویی جدید از اقتدارگرایی در منطقه تکوین یافت به طوری که در آغاز هزاره سوم، شکلی نوین از اقتدارگرایی در هر پنج جمهوری آسیای مرکزی، حاکم شده بود؛ اکنون با گذشت بیش از دو دهه از استقلال این کشورها، روند یادشده، همچنان تداوم دارد. این مقاله با بررسی الگوی جدید اقتدارگرایی در آسیای مرکزی در پی پاسخ به این پرسش است که «ریشه‌های درونی نواقصدارگرایی در آسیای مرکزی چیست؟» «نواقصدارگرایی در آسیای مرکزی، پدیده‌ای چندوجهی است که پس‌زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد»؛ هریک از ابعاد یادشده، به چند زیرشاخه تقسیم‌بندی و با استفاده از نظریه نئوپاتریمونیالیسم بررسی شده است. با توجه به اینکه ازبکستان و ترکمنستان، وخیم‌ترین وضعیت اقتدارگرایی را در آسیای مرکزی دارند، در مقاله پیش‌رو بر این دو کشور، بیشتر تمرکز شده است. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فضای مجازی تدوین شده است.

واژگان کلیدی: نواقصدارگرایی، نئوپاتریمونیالیسم، دموکراسی، آسیای مرکزی.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان.

۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان. (نویسنده مسئول: Basiri@asu.ac.ir)

مقدمه

تا پیش از دهه ۱۹۹۰ میلادی، اندیشمندان علوم سیاسی، به ندرت در خصوص ماندگاری رژیم‌های کمونیستی پررشی مطرح می‌کردند؛ به همین دلیل زمانی که نظام (سیستم) دوقطبی فروپاشید و جمهوری‌های شوروی سابق به استقلال رسیدند، متفکران سیاسی برای توضیح وقایع مذکور به خلأ نظری (تئوریک) دچار شدند؛ به همین سبب، پیش‌بینی صحیح تحولات پیش‌رو، نه تنها دشوار بود (شیرخانی و داناپولوس، ۱۳۷۷: ۹۹) بلکه در برخی موارد با آشفتگی تحلیل و پیش‌بینی‌های ناصواب همراه شد. پایان نظام دوقطبی، به زعم بسیاری از تحلیل‌گران به منزله پیروزی قطعی دموکراسی مدرن و سیستم بازار آزاد بر ساختار کمونیستی محسوب می‌شد؛ حتی برخی از اندیشمندان، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را چیزی فراتر از پیروزی بلوک غرب می‌دانستند. فرانسیس فوکویاما^۱ در سال ۱۹۹۲ در کتاب **پایان تاریخ و واپسین انسان**^۲ ادعا کرد که الگوی لیبرال دموکراسی غربی، سرنوشت محتوم همه نظام‌های سیاسی و کل بشریت است؛ درائتای چنین خوش‌بینی‌هایی بود که جمهوری‌های آسیای مرکزی برای اولین بار در تاریخ خود به صورت کشورهای مستقل متولد شدند.

تدوین قوانین اساسی مبتنی بر انتخابات آزاد در آسیای مرکزی، از آغاز روندی غیراقتدارگرایانه نشان داشت که خوش‌بینی‌های نظری را درباره تقویت دموکراسی در منطقه تقویت می‌کرد؛ از سوی دیگر، نابودی تام‌گرایی کمونیستی^۳ از منظر کارگزاران بین‌المللی، نویدبخش گذار به دموکراسی غربی^۴ در جمهوری‌های تازه استقلال یافته بود؛ به همین دلیل، بسیاری از کشورهای قدرتمند غربی و سازمان‌های بین‌المللی برای توسعه و تثبیت دموکراسی در آسیای مرکزی کمک‌هایی اختصاص دادند (Starr, 2006: 6) اما تحولات بعدی در طول دهه ۱۹۹۰، روندی معکوس را از آنچه انتظار می‌رفت، نشان می‌داد به طوری که در آغاز هزاره سوم، کشورهای آسیای مرکزی از لحاظ وضعیت دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی - مدنی در وضعیتی مطلوب قرار نداشتند و اکنون با گذشت بیش از ربع قرن از استقلال آنها نه تنها اقتدارگرایی در این کشورها ریشه‌کن نشده بلکه به شکلی نوین درآمده است اگرچه مشخصه بارز همه کشورهای آسیای مرکزی، حالت نواقدرگرایانه آنهاست (Spechler, 2008: 28) اما

1. Francis Fukuyama
2. The End of History and the Last Man
3. Communist totalitarianism
4. Transition to democracy

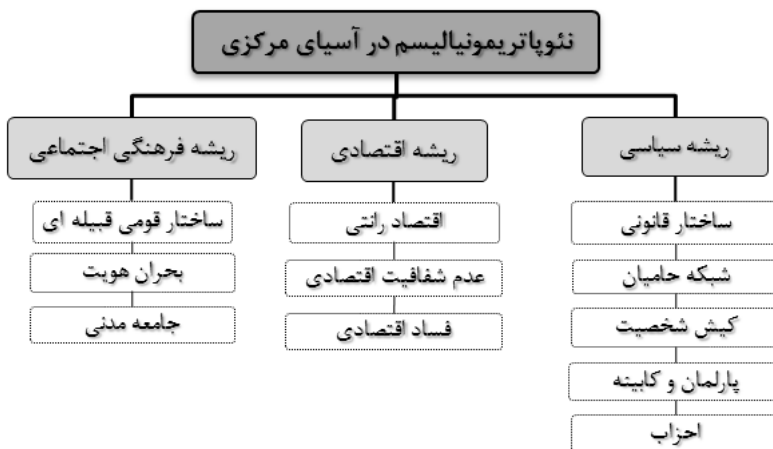
درجه نواقصدارگرایی رایج در این کشورها یکسان نیست. به گزارش مؤسسه غیرانتفاعی خانه آزادی^۱ در سال ۲۰۱۵ قزاقستان و تاجیکستان در وضعیت غیرآزاد،^۲ ازبکستان و ترکمنستان در وضعیت بدترین‌ها^۳ و قرقیزستان (به‌عنوان یک استثنا در آسیای مرکزی) در شرایط به‌نسبت آزاد^۴ قرار دارد (Freedom house, 2015).

البته برخلاف خوش‌بینی‌های اولیه که درخصوص رشد دموکراسی در آسیای مرکزی وجود داشت، باید اذعان کرد که ظهور نواقصدارگرایی در این منطقه، چندان هم دور از انتظار نبوده‌است. سلطه طولانی‌مدت رژیم‌های سرکوبگر، ساختارهای سیاسی - اقتصادی ضعیف در کنار سنت و فرهنگ بومی منطقه، باعث تعمیق تفکر اقتدارگرایانه در آسیای مرکزی شده‌اند؛ بنابراین منطقه یادشده، به‌لزوم، بستری مناسب برای ظهور دموکراسی در مفهوم غربی آن نیست.

با توجه به نکات بالا انتخاب نظریه‌ای مناسب که با وضعیت کشورهای آسیای مرکزی تناسب داشته باشد، بسیار ضروری است. براساس نظام نواقصدارگرایانه حاکم بر این کشورها، نگارندگان تلاش می‌کنند، در چارچوب نظریه نئوپاتریمونیالیسم^۵ (پدرسالاری جدید) به این پرسش پاسخ دهند که «ریشه‌های درونی نواقصدارگرایی در آسیای مرکزی چیست؟»؛ «رژیم‌های مبتنی بر الگوی نئوپاتریمونیالیستی در آسیای مرکزی پدیده‌ای چندوجهی است که پس‌زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد»؛ برای آزمون فرضیه بالا هر یک از ابعاد سه‌گانه (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) در قالب چند مؤلفه جداگانه بررسی شده‌است. تبیین مسئله نواقصدارگرایی در آسیای مرکزی، به نگرشی چندسببی نیاز دارد زیرا متغیرهایی متعدد در شکل‌گیری و تداوم پدیده مذکور در منطقه دخیل هستند. در پژوهش پیش‌رو تعدادی از مهم‌ترین عوامل داخلی بررسی شده‌اند؛ البته علاوه‌بر عوامل (فاکتورهای) داخلی، نقش عوامل خارجی نیز در تقویت اقتدارگرایی در آسیای مرکزی، قابل توجه است که به بررسی مجزا نیازمند است. نمودار درختی زیر، ریشه‌های سه‌گانه نواقصدارگرایی در آسیای مرکزی و زیرشاخه‌های آن را نشان می‌دهد؛ در ادامه، هر یک از این مؤلفه‌ها به‌طور جداگانه بررسی شده‌است.

-
1. Freedom House (non- profit)
 2. Not Free
 3. Worst of the worst
 4. Partly Free
 5. Neopatrimonialism

نمودار ۱: ریشه‌های داخلی نئوپاتریمونالیسم در آسیای مرکزی



(منبع: نگارندگان)

الف - چارچوب نظری

۱- نئوپاتریمونالیسم (پدرسالاری جدید)

پاتریمونالیسم، اصطلاحی چندبُعدی و میان‌رشته‌ای^۱ است. در این پژوهش برای اثبات فرضیه از چشم‌انداز جامعه‌شناسی سیاسی به نظریه نئوپاتریمونالیسم پرداخته شده‌است. ریشه مفهوم نئوپاتریمونالیسم را باید در تقسیم‌بندی سه‌گانه ماکس وبر^۲ از انواع مشروعیت جستجو کرد؛ وی سه نوع مشروعیت سنتی، کاریزماتیک و قانونی (بوروکراتیک) را از یکدیگر تفکیک می‌کند (وبر، ۱۳۷۴: ۴۵). به نظر وبر، بارزترین نمونه مشروعیت سنتی در رژیم‌های پاتریمونالیست نمود یافته‌است که اصلی‌ترین مشخصه‌های آن، نفوذ خویشاوندان و بستگان حاکم در دستگاه‌های حکومتی، بی‌نظمی نظام (سیستم) دولت و اقدام‌های فراقانونی است؛ البته ممکن است در عمل، ترکیب‌هایی گوناگون از این سه نوع مشروعیت شکل بگیرد (بشیریه، ۱۳۸۶: ۵۹ و ۶۰)؛ برای نمونه، مشروعیت کاریزماتیک و قانونی با یکدیگر ترکیب شوند؛ برپایه همین امر، در سال ۱۹۷۳، شموتل آیزنشتات^۳ در کتاب

1. Multidimensional and multidisciplinary
 2. Max Weber
 3. Shmuel Eisenstaedt

پاتریمونیالیسم سنتی و نئوپاتریمونیالیسم مدرن^۱، فرق نئوپاتریمونیالیسم با پاتریمونیالیسم سنتی آن است که اولی واژه ای مرکب برای توصیف حکومت هایی با مشروعیت ترکیبی است زیرا از این واژه مرکب برای توصیف حکومت هایی با مشروعیت ترکیبی استفاده کرد (Eisenstaedt, 1973) زیرا در رژیم های نئوپاتریمونیالیستی، عناصری از مشروعیت سنتی و بوروکراتیک با یکدیگر ترکیب شده‌اند (Erdmann & Engel, 2007: 98)؛ این در حالی است که رژیم های پاتریمونیالیستی، به‌طور صرف به مشروعیت سنتی متکی هستند؛ بنابراین نئوپاتریمونیالیسم، مفهومی پساوبری^۲ محسوب می‌شود (Erdmann & Engel, 2006: 17).

ساموئل هانتینگتون^۳ ویژگی برجسته نظام های نئوپاتریمونیالی را تمرکز قدرت در فرمانروا می‌داند و بر آن است که اعمال قدرت در این گونه نظام ها، به نزدیکی به فرمانروا و بهره‌مندی از پشتیبانی او بستگی دارد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۹۱) البته در رژیم های نوپدرسالار (برخلاف پدرسالاری کلاسیک)، حکومت وراثتی نیست درعین حال، یکی از ویژگی های اصلی آن، تداوم زمامداری یک فرد بر دولت است. زمامداری دائمی نوپدرسالاران بیش از اینکه ناشی از ایدئولوژی یا قانون باشد، از حمایت شبکه ای از طرف داران شخصی نشأت گرفته است (Snyder, 1992: 379)؛ البته قانون (قوانین تحریف یا تغییر یافته) و ایدئولوژی نیز در تداوم زمامداری حکام بی تأثیر نیستند. دولت های اقتدارگرای نئوپاتریمونیالی، ساختار اداری مدرن دارند و تصمیم های گرفته شده در شبکه غیررسمی طرف داران، از جانب نیروهای امنیتی و دستگاه قضایی پشتیبانی می‌شوند (Lewis, 2012: 8)؛ بر همین پایه، در این نوع رژیم ها (برخلاف رژیم های پاتریمونیالی) به ظاهر، حوزه عمومی و خصوصی از یکدیگر تفکیک شده‌اند اما در مقام عمل، تفکیکی دائمی میان این دو حوزه وجود ندارد.

از دیگر ویژگی های نئوپاتریمونیالیسم، ابهام در رابطه ساختار-کارگزار است لذا در چنین نظام هایی، نوعی احساس عدم اطمینان درباره عملکرد نهادها و کارگزاران وجود دارد (Erdmann & Engel, 2007: 105)؛ عزل و نصب مقام ها و نحوه توزیع ثروت در این گونه رژیم های سیاسی، تاحدی زیاد به میل شخصی حکام بستگی دارد و ساختارهای رسمی، در این امور، چندان نقش ندارند؛ البته برخلاف رژیم های پاتریمونیالی، ساختارها به‌طور کامل، بی تأثیر نیستند (Nawaz, 2008: 2) و می‌توان نقشی حداقلی برای آنها قایل شد. یکی از ویژگی های مشترک پاتریمونیالیسم و نئوپاتریمونیالیسم،

1. Traditional patrimonialism and modern neopatrimonialism
2. Post-Weberian
3. Samuel Huntington

حامی‌گرایی^۱ است اما نوع و هدف حامی‌گرایی در آنها متفاوت است. در پاتریمونالیسم رابطه طرف‌داران و شخص حاکم، بی‌واسطه، اما در نئوپاتریمونالیسم، غیرمستقیم و با واسطه است؛ همچنین هدف از رابطه در نئوپاتریمونالیسم، فقط کالاها و خدمات شخصی نیست بلکه خدمات پیچیده و مهم‌تر را نیز دربرمی‌گیرد که با منافع بلندمدت حامیان، مرتبط است (Erdmann & Engel, 2006: 20). به‌طورکلی، نئوپاتریمونالیسم را می‌توان پدیده‌ای دوجبه‌ای^۲ نامید زیرا ترکیبی ناموزون از مفاهیم دوگانه‌ای همچون: دموکراسی/استبداد، مدرنیسم/سنت و ضابطه/رابطه است؛ از این مفهوم، از اساس برای تبیین رابطه میان حکومت‌های پسااستعماری با فساد و اقتدارگرایی نخبگان سیاسی استفاده شده است که بیشتر درخصوص کشورهای جهان سوم به‌ویژه در آمریکای لاتین و آفریقا اعمال شده است.^۳ به‌رغم تفاوت‌هایی که آسیای مرکزی با آفریقا و آمریکای لاتین دارد، یکی از پیامدهای بارز فروپاشی شوروی، حرکت رو به جلوی جمهوری‌های تازه‌استقلال‌یافته به‌سوی دموکراسی بود؛ هرچند این حرکت، دیرتر از آمریکای لاتین و آفریقا آغاز شده است و با نوسان‌ها و نارسایی‌هایی همراه بوده است اما به‌هرحال، کشورهای این منطقه را در مسیر گذار قرار داده است؛ بنابراین با توجه به وضعیت حاکم در آسیای مرکزی، این نظریه درباره کشورهای این منطقه قابلیت کاربردی دارد (Fisun, 2012: 91-92).

۲- نئوپاتریمونالیسم در آسیای مرکزی

در رژیم‌های مبتنی بر الگوی نئوپاتریمونالیستی، رهبری مقتدر از تمام ابزارهای غیردموکراتیک

۱. منظور از حامی‌گرایی (Clientelism)، شکلی از رابطه اجتماعی میان شخص حاکم و شبکه‌ای از طرف‌داران اوست که فراتر از ضوابط قانونی است.

2. Hybrid phenomenon

۳. در این زمینه می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

- Neopatrimonialism in Africa and beyond (2014)
- Patrimonialism and neopatrimonialism: comparative trajectories and readings (2011)
- Social theory, Latin America and modernity (2006)
- Political corruption in South Africa (1998)
- The Presidentialist Tradition in Latin America (2005)
- Neo-patrimonialism and the discourse of state failure in Africa (2012)
- Neopatrimonialism in Latin America (2010)

برای دستیابی به اهداف توسعه استفاده می‌کند؛ قانون و نظم نیز مطابق با میل حاکم اصلاح و اجرایی شود (Li, 2015: 31). در نگاهی مقایسه‌ای، مؤلفه‌های تشکیل دهنده نواقصدارگرایی، در میان دموکراسی و اقتدارگرایی کلاسیک جای می‌گیرند؛ مؤلفه‌های یادشده در جدول زیر نمایش داده‌اند.

جدول ۱: مقایسه سه الگوی حکومتی

نوع حکومت / مؤلفه‌ها	اقتدارگرایی کلاسیک	نواقصدارگرایی	لیبرال دموکراسی
بنیان اقتصادی	کنترل شده	اقتصاد شبه بازار	اقتصاد آزاد
مبنای مشروعیت	سنتی	ترکیبی (سنتی-بوروکراتیک)	بوروکراتیک
تعداد احزاب سیاسی	تک حزبی یا بدون حزب	دو حزب یا بیشتر	دو یا چند حزبی
آزادی‌های فردی	فقدان آزادی	آزادی سیاسی و اقتصادی محدود	حفاظت شده با حاکمیت قانون
بالاترین جایگاه	پادشاه	سلطنت مشروطه یا رئیس دولت	قانون اساسی
تفکیک قوا	فقدان تفکیک قوا	مجلس نیمه مستقل	تفکیک قوای سه گانه

(Source: Li, 2015: 32)

مطالعه نظام سیاسی نئوپاتریمونالیستی در کشورهای آسیای مرکزی، بسیار پیچیده‌تر از رفتارهای اقتدارگرایانه کلاسیک در کشورهای پادشاهی است زیرا به‌رغم وجود نظام سیاسی غیرایدئولوژیک و به‌ظاهر دموکراتیک در این جمهوری‌ها، رفتارهای اقتدارگرایانه یا شبه‌اقتدارگرایانه^۱ همچنان جریان دارند؛ به‌عبارت‌دیگر، دوگانه متناقض دموکراسی و اقتدارگرایی در چارچوبی مشترک قرار گرفته‌اند؛ برای نمونه، تکیه بر مسند ریاست‌جمهوری در این کشورها (به‌غیر از قرقیزستان)، مادام‌العمر (همیشگی) شده‌است و تفکیک قوای مشخصی وجود ندارد؛ مبنای مشروعیت نیز براساس الگوی نئوپاتریمونالیستی به‌صورت التقاطی است. سایر مؤلفه‌ها نیز که در جدول بالا مشاهده می‌شوند، حالت ترکیبی دارند.

مؤلفه‌هایی که در جدول بالا به آنها اشاره شد، به‌طورکلی در سه بُعد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جای می‌گیرند. گذار از میراث باقی مانده از دوران اتحاد جماهیر شوروی در کشورهای آسیای مرکزی نیز دربرگیرنده سه روند به‌طورکامل درهم‌تنیده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است: در بُعد نخست،

1. Semi authoritarian

گذار از توتالیتریانیسم به نظام‌های سیاسی باز، مطرح است؛ در بُعد اقتصادی، گذار از سیستم سوسیالیستی به بازار آزاد، مدنظر است (Khazanov, 2010: 19) و در زمینه اجتماعی - فرهنگی، مسئله هویت و ملت‌سازی، برجسته می‌شود. وضعیت کنونی کشورهای آسیای مرکزی در حالت گذار قرار دارد لذا ویژگی کشورهای این منطقه را می‌توان در میانه جدول بالا یعنی حالت نئوپاتریمونالیستی جای داد. مجموعه‌ای از عوامل که در ادامه بررسی شده‌است، به تقویت حالت نواقتدارگرایانه در کشورهای آسیای مرکزی و کُندی حرکت آنها به سوی نظام‌های (سیستم‌های) دموکراتیک منجر می‌شود.

ب- ریشه‌های سیاسی نئوپاتریمونالیسم در آسیای مرکزی

مؤلفه‌های سیاسی، مهم‌ترین عامل در بازتولید روح اقتدارگرایی در آسیای مرکزی هستند که در قالب شاخصه‌های زیر مطرح شده‌اند. شایان اشاره است که بارزترین ویژگی سیاسی نواقتدارگرای در آسیای مرکزی، ریاست‌جمهوری‌های مادام‌العمر است.

۱- محتوا و ساختار قانونی

در قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان، رؤسای جمهور با سبکی اقتدارگرایانه در رأس حکومت قرار دارند؛ تنها استثنای آسیای مرکزی در این مورد، قرقیزستان است که براساس رفتارندم اصلاح قانون اساسی در سال ۲۰۱۰ از نظام (سیستم) ریاستی به پارلمانی تغییر یافت (Giersch, 2012). در قانون اساسی اولیه جمهوری‌های آسیای مرکزی، مدت زمان ریاست‌جمهوری محدود بود اما در اواخر دهه ۱۹۹۰ اصلاحاتی در قانون اساسی این کشورها صورت گرفت که براساس آن، امکان نامزد شدن رؤسای جمهور وقت در انتخابات بعدی مهیا شد و همین اشخاص، همواره پیروز انتخابات بوده‌اند.

مؤسسه خانه آزادی، تقسیم‌بندی‌ای را ارائه داده‌است که براساس آن، پنج نوع رژیم سیاسی در سطح بین‌المللی از یکدیگر تفکیک شده‌اند که شامل دموکراسی‌های استوار،^۱ دموکراسی‌های نیمه‌استوار،^۲ حکومت‌های در حال گذار یا رژیم‌های دورگه،^۳ رژیم‌های شبه‌اقتدارگرا^۴ و رژیم‌های

1. Consolidated Democracy
2. Semi-Consolidated Democracy
3. Transitional Government or Hybrid Regime
4. Semi-Consolidated Authoritarian Regime

تمام اقتدارگرا^۱ هستند؛ با توجه به ساختار سیاسی کشورهای آسیای مرکزی، همگی آنها به جز قرقیزستان در حالت تمام اقتدارگرا قرار دارند و در میان آنها براساس شاخص‌های عددی، ترکمنستان و ازبکستان در بدترین وضعیت قرار دارند (Freedom House, 2016a).

گویا فقط مرگ، قادر خواهد بود که رؤسای جمهور آسیای مرکزی را از قدرت جدا کند. چنان‌که صفر مراد نیاززاف^۲ در ترکمنستان و اسلام کریموف^۳ در ازبکستان تا پایان عمر خود، رئیس‌جمهور ماندند. کریموف در ۲۹ مارس ۲۰۱۵ با کسب ۹۰ درصد آرا برای چندمین بار رئیس‌جمهور ازبکستان شد (OECD, 2015: 11)؛ وی در سال ۲۰۱۶ درگذشت.

در ترکمنستان نیز صفر مراد نیاززاف پس از شانزده سال ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۰۶ از دنیارفت و بردی محمداف، جانشین وی شد که ایشان نیز پس از ده سال، همچنان در رأس قدرت هستند. محتوا و ساختار قانونی قدرت در کشورهای آسیای مرکزی، نوعی دموکراسی نمایی^۴ است که کارویژه اصلی آن، مشروع جلوه‌دادن قدرت مقام‌ها و به‌ویژه رئیس‌جمهور است (Melvin, 2004: 131). اصول دموکراتیک در قانون اساسی اولیه جمهوری‌های آسیای مرکزی به تدریج رنگ‌باخته و مفاد قانونی، توجیه‌گر اقتدارگرایی مقام‌های منطقه شده‌اند.

۲- کیش شخصیت^۵

بارزترین نمود رواج کیش شخصیت در کشورهای آسیای مرکزی، القاب و عناوینی است که رهبران این منطقه به خود اختصاص داده‌اند. رئیس‌جمهور دائمی تاجیکستان/امامعلی رحمان^۶، لقب «ابرمرد تاجیک» را یدک می‌کشد (شیرمحمدی و طالعی، ۲۰۱۱). شخصیت پرستی در تاجیکستان تاحدی رواج دارد که کارمندان عالی‌رتبه و اعضای دولت، هنگام برعهده‌گرفتن پست‌های مهم به نام رئیس‌جمهور، سوگند یاد می‌کنند (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵: ۲). نورسلطان نظرбайف^۷، رئیس‌جمهور قزاقستان به «پدر ملت و قهرمان خلق» معروف است. در ترکمنستان صفر مراد نیاززاف،

1. Consolidated Authoritarian Regime
2. SaparmuratNiyazov
3. Islam Karimov
4. Facade Democracy
5. Personality cult
6. EmomaliRahmon
7. NursultanNazarbayev

به «ترکمن باشی»^۱ معروف بود؛ جانشین وی، *قربانقلی بردی محمداف*^۲ با انتقال مجسمه طلاایی نیازاف به حاشیه پایتخت، مجسمه طلاایی خود را در مرکز عشق‌آباد نصب کرد. *محمداف* به لقب «حامی»^۳ معروف است (Bohr, 2012: 552).

کاریزمای اسلام کریموف در ازبکستان در دوران حیاتش به حدی بود که تدریس کتاب‌های ادبی وی در مدارس، همچنان الزامی است؛ نمونه‌های بالا نشان می‌دهند که مقام‌های آسیای مرکزی بیش از اینکه مشروعیت خود را از طریق ساختارهای قانونی کسب کرده باشند، از طریق کیش شخصیت بدان دست یافته‌اند. اگرچه در مشروعیت کاریزماتیک از ویژگی‌های شخصی رهبران استفاده می‌شود، با توجه به ماهیت نئوپاتریمونالیستی کشورهای منطقه، در کنار ویژگی شخصی، ساختارهای قانونی نیز برای توجیه مشروعیت رهبران به کار گرفته می‌شوند.

بنابراین، براساس نظریه نئوپاتریمونالیسم، جایگاه رؤسای جمهور ازبکستان و ترکمنستان با ترکیبی از مشروعیت کاریزماتیک و بوروکراتیک شکل گرفته است. براساس نظریه عادی‌سازی کاریزماتیک^۴ *ماکس وبر*، مشروعیت کاریزماتیک رهبران از سه طریق «طراحی»^۵ کاریزمای ارثی^۶ یا کاریزمای اداری^۷ حاصل می‌شود. پس از درگذشت صفر مراد نیازاف، سایر نخبگان سیاسی، نقش کاریزمای بردی *محمداف* را در ترکمنستان برای وی تعیین کردند. قسمت بوروکراتیک مشروعیت وی در یک انتخابات طراحی شد که چهار نفر دیگر نیز کاندید داشت که از آنها به‌عنوان عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی یاد می‌شود؛ لذا راهکار نخست، یعنی طراحی درخصوص مشروعیت رئیس‌جمهور کنونی ترکمنستان، قابل اعمال است. درحالی‌که مشروعیت اسلام کریموف، از نوعی کاریزمای ارثی ناشی بوده است که پس از دوران اتحاد جماهیر شوروی، وی وارث آن شد (Isaacs, 2015: 58-66). به نظر می‌رسد که بعد از درگذشت اسلام کریموف، مشروعیت سیاسی جانشین وی، یعنی شوکت میرضیایف^۸ همانند الگوی *محمداف* در ترکمنستان مبتنی بر راهکار اول شکل بگیرد. دو عنصر کیش شخصیت و ساختارهای قانونی، نقش هم‌تکمیلی در شکل‌گیری نواقصدارگرایی در آسیای مرکزی دارند

۱. معنی تحت‌اللفظی این عبارت، یعنی «رئیس ترکمن‌های جهان»

2. Gurbanguly Berdimuhamedow

۳. این واژه ترجمه تحت‌اللفظی «آرکداق» است.

4. Charismatic Routinisation

5. Designation

6. Hereditary charisma

7. Charisma in office

8. Shavkat Mirziyoyev

به طوری که «کیش شخصیت» توجیه‌کننده ریاست‌جمهوری مادام‌العمر است و ریاست‌جمهوری مادام‌العمر نیز، شخصیت‌پرستی در آسیای مرکزی را رواج داده است.

۳- شبکه طرف‌داران^۱

عقلانیت رایج در علوم سیاسی، معتقد است که حفظ ثبات سیاسی با استفاده از ابزار زور و ارباب در کوتاه‌مدت و حداکثر در میان‌مدت، امکان‌پذیر خواهد بود؛ با وجود این، حکومت‌های نو اقتدارگرای آسیای مرکزی، بیش از ربع قرن است که ثبات سیاسی خود را حفظ کرده‌اند؛ بنابراین به احتمال، غیراز ابزار زور و سلطه، عاملی دیگر در تداوم رژیم‌های اقتدارگرا در آسیای مرکزی تأثیرگذار بوده است؛ به نظر نگارندگان، یکی از این عوامل، شبکه طرف‌داران در جمهوری‌های آسیای مرکزی است. از جمله مفاهیم محوری در نئوپاتریمونالیسم، حامی‌گرایی است؛ حامی‌گرایی، نوعی رابطه اجتماعی دوسویه میان حامی و پیرو است که براساس آن، اموال و منافع عمومی در راستای اهداف شخصی مصادره می‌شود. با قرارگرفتن افراد پیرو در کنار یکدیگر (حاصل جمع پیروان)، شبکه طرف‌داران شکل می‌گیرد (Laruelle, 2012: 305).

یکی از نموده‌های حامی‌گرایی در جریان انتخابات به تصویر کشیده می‌شود. در رژیم‌های نئوپاتریمونالی، تحقق وعده نامزدها نه تنها در صورت پیروزی در انتخابات بلکه باید پیش از انتخابات، محقق شود؛ یعنی کاندیداها باید برای جذب آرا به رأی‌دهندگان پاداش دهند و به عبارتی، طرف‌دار خریداری می‌کنند^۲ (Nawaz, 2008: 2-4)؛ همین امر، پس از انتخابات تداوم می‌یابد و حلقه‌ای از اشخاص محدود در اطراف مقام‌ها قرار می‌گیرند که خواهان امتیازهای ویژه اقتصادی و سیاسی هستند. حامی‌پروری در جهان سوم و به خصوص در آسیای مرکزی، پدیده‌ای رایج است. تقسیم ناعادلانه ثروت و قدرت بدون توجه به شایستگی و توانایی‌های اشخاص، باعث حاکم‌شدن روح اقتدارگرایی در بدنه جوامع آسیای مرکزی شده است.

۴- وضعیت انتخابات پارلمان و کابینه

براساس قانون در ساختار سیاسی کشورهای منطقه، پارلمان نقشی قابل توجه دارد اما پارلمان‌ها در اغلب موارد به نهادی نمایشی برای تأیید نظرهای رئیس‌جمهور، ماهیت خود را تغییر داده‌اند (عزیزی،

.....
1. Patronage Network
2. Disbursement of patronage

۱۳۹۴ الف: ۴). نمایندگان پارلمان، به‌طور معمول، از ثروتمندان وابسته به خاندان حاکم هستند برای مثال در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۴ در قرقیزستان، تنها هفت کرسی از ۷۵ کرسی به مخالفان دولت اختصاص یافته بود و بیشتر راه‌یافتگان نیز از سرمایه‌داران وابسته به خاندان *عسگر آقاییف*^۱ بودند (Beacháin, 2009: 3329). بسیاری از وزرای کابینه در دولت‌های آسیای مرکزی، فاقد قدرت تصمیم‌گیری هستند؛ حتی در برخی موارد، وزرا با زیچه دست رئیس‌جمهور بوده‌اند؛ برای نمونه، *نیازاف* برای نشان دادن اقتدار خود به تحقیر و اخراج وزرا در برنامه‌های زنده تلویزیونی اقدام می‌کرد (Kuru, 2002: 56). فقدان وجود نمایندگان مستقل و وزرای قدرتمند، باعث تشدید روند رفتارهای اقتدارگرایانه رهبران در منطقه شده است.

بر اساس اصلاحات سال ۲۰۰۰ در ازبکستان، نظام (سیستم) دوپارلمانی در این کشور برقرار و مقام نخست‌وزیری تعیین شد؛ دوره تصدی مقام ریاست‌جمهوری نیز از هفت به پنج سال کاهش یافت (omelicheva, 2016: 13)؛ این تغییرها در ذات خود، مثبت‌اند و قوانین ازبکستان هم از انتخابات آزاد و عادلانه حمایت می‌کند اما در عرصه عمل، اتفاق‌ها به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورند. چهار خصیصه اصلی انتخابات در ازبکستان که در راستای تقویت الگوی نواقدرگرایانه سیر می‌کند، به شرح زیرند: نخست، همه احزاب سیاسی به شخص رئیس‌جمهور و دولت وفادارند که ماحصل آن تداوم وضع موجود است؛ دوم، قانون انتخابات در ازبکستان به هیچ نامزد مستقلی اجازه نمی‌دهد، کاندیدشود و فقط احزاب می‌توانند که کاندید معرفی کنند؛ سوم، ابهام سیاسی و ایدئولوژیک نامزدهای انتخاباتی و عدم تفاوت‌های اساسی میان آنها، تصمیم رأی‌دهندگان را دشوار و بی‌هدف کرده است و چهارم، در بسیاری از مناطق، نامزدها تبلیغ ندارند و بنابراین رأی‌دهندگان تا روز برگزاری انتخابات، نامزدها را نمی‌شناسند؛ مجموعه این عوامل سبب شده است که سازمان امنیت و همکاری اروپا،^۲ انتخابات پارلمانی ازبکستان را «انتخابات بدون انتخاب»^۳ بنامد (BTI, 2016a: 7).

چهار خصیصه‌ای که در خصوص انتخابات پارلمان در ازبکستان بیان شد، راجع به ترکمنستان نیز صدق می‌کند؛ اگرچه به دلیل تعداد محدود احزاب در ترکمنستان، کنترل آن سهل‌تر از ازبکستان است. با روی کار آمدن *بردی محمداف*، فضای سیاسی ترکمنستان به‌طور نسبی، بازتر شده است؛ برای مثال در قانون انتخاباتی سال ۲۰۱۳ که یک ماه پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی تصویب شد، برخی از

1. AskarAkaev

2. Organization for Security and Co-operation in Europe (OSCE)

3. Elections with no choice

توصیه‌های دفتر مؤسسات دموکراتیک و حقوق بشر^۱ وابسته به سازمان امنیت و همکاری اروپا مدنظر قرارگرفت؛ باوجوداین، به اعتقاد ناظران، انتخابات این کشور، همچنان از استانداردهای جهانی، بسیار فاصله دارد (OSCE, 2014: 5).

۵- جایگاه احزاب

یکی از ارکان اصلی دموکراسی‌ها فعالیت احزاب در سپهر سیاسی کشورهاست اگرچه در طبقه‌بندی‌های رایج سیاسی، جمهوری‌های آسیای مرکزی در شمار کشورهای غیردموکراتیک جای می‌گیرند اما شرایط در حال گذار کشورهای منطقه، آنها را واجد برخی ویژگی‌های دموکراتیک (هرچند به صورت صوری) قرارداده‌است؛ احزاب سیاسی، یکی از این ویژگی‌های صوری است. پنج آسیب اصلی احزاب سیاسی در آسیای مرکزی به شرح زیرند:

الف- حکومت‌های منطقه «احزاب مصنوعی»^۲ به وجودمی‌آورند؛ این احزاب به منابع دولتی دسترسی دارند و در رقابت‌های انتخاباتی آرا را به نفع حامیان دولت جذب می‌کنند.

ب- حکومت‌های منطقه، قوانین مربوط به انتخابات و احزاب سیاسی را به گونه‌ای تغییرمی‌دهند که به پیروزی احزاب طرفدار آنها منجرشوند.

ج- کنترل دولتی بر رسانه‌ها باعث جهت‌دهی افکار عمومی به سمت احزاب طرفدار دولت می‌شود.

د- رژیم‌های سیاسی منطقه به دلایل واهی، برخی احزاب سیاسی را از ثبت نام در انتخابات محروم می‌کنند.

ه- درنهایت اگر اقدام‌های بالا کافی نباشند، انتخابات به گونه‌ای برگزارمی‌شود که به پیروزی احزاب حامی دولت منجرشود (Bader, 2010: 5-6).

به‌طورکلی در نظام‌های (سیستم‌های) نئوپاتریمونال، حزب حاکم از همه ابزارهای فشار از قبیل انحصار رسانه‌های عمومی،^۳ سوءاستفاده از قانون و قوه قضائیه، زندان، تحریم و فشار مالی استفاده می‌کند تا رقبای خود را شکست دهد (Nawaz, 2008: 4).

علاوه بر نکات بالا «حزب در آسیای مرکزی، منعکس‌کننده گروه‌بندی‌های قبیله‌ای و منطقه‌ای

1. Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR)

2. Satellite Parties

3. Monopolizing public media

جامعه‌ای سنتی است. پیوندهای خانوادگی و منطقه‌ای، پایه و اساس نظام‌های سرپرستی و حمایتی را تشکیل می‌دهند» (Olcott, 1992: 256). رهبران آسیای مرکزی می‌دانند که دوام و بقای شبکه‌های قبیله‌ای، نه تنها می‌تواند سبب افزایش ثبات سیاسی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت شود بلکه می‌تواند از شکل‌گیری احزاب رقیب قدرتمند جلوگیری کند. درحالی‌که یکی از ملزومات دموکراسی‌های واقعی، وجود احزاب قدرتمند است، فقدان این پیش‌نیاز در آسیای مرکزی و ممانعت از شکل‌گیری آن توسط رهبران حاکم، به تثبیت رفتارهای اقتدارگرایانه در منطقه پس از فروپاشی شوروی منجر شده است.

با وجود فعالیت برخی نهادهای غربی مانند مؤسسه ملی دموکراتیک^۱ (وابسته به حزب دموکرات ایالات متحده آمریکا) برای ترویج تحزب در جمهوری‌های آسیای مرکزی، ترکمنستان مرزهای خود را روی فعالیت چنین نهادهایی بسته است (Bader, 2010: 2). در دو دهه اخیر، حزب دموکراتیک ترکمنستان^۲ تنها نیروی سیاسی مسلط بر این کشور بوده است. به‌رغم همه محدودیت‌هایی که برای فعالیت احزاب سیاسی در ترکمنستان وجود داشته است، در سال‌های اخیر، گشایشی هرچند ناقص در این امر حاصل شد. در آگوست ۲۰۱۲ در پاسخ به درخواست رئیس‌جمهور برای ایجاد نظام چندحزبی، اتحادیه صنعتگران و کارآفرینان، حزبی با همین نام تأسیس کردند (حزب صنعتگران و کارآفرینان)^۳؛ هدف اعلام‌شده این حزب، حمایت از برنامه‌های دولت برای تقویت بخش خصوصی است؛ در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۳، رئیس این حزب، اولین و تنها راه‌یافته حزب به پارلمان شد. در ترکمنستان انجمن‌های عمومی وابسته به دولت، همانند اتحادیه تجارت، اتحادیه زنان و اتحادیه جوانان، بیشتر از احزاب مستقل نقش دارند (OSCE, 2014: 3-4). ترکمنستان از لحاظ تحزب، بسته‌ترین کشور در آسیای مرکزی است. در ازبکستان، پنج حزب با نام‌های «حزب لیبرال دموکرات»^۴، حزب دموکراتیک خلق ازبکستان^۵، حزب دموکراتیک تجدید حیات ملی^۶، حزب عدالت سوسیال دموکرات^۷ و جنبش محیط زیست (سبز)^۸ در انتخابات شرکت می‌کنند (Globalsecurity, 2013)؛ هر پنج حزب یادشده با درجات متفاوت، حامی دولت هستند. حزب دموکراتیک خلق به ریاست شخص

1. National Democratic Institute (NDI)
2. Democratic Party of Turkmenistan
3. The Party of Industrialists and Entrepreneurs
4. Liberal Democratic
5. People's Democratic Party of Uzbekistan
6. Democratic National Rebirth Party
7. Adolat (Justice) Social Democratic Party
8. Ecological (Green) Movement

اسلام کریموف، همواره پیروز اصلی انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمان بوده‌است؛ سایر اعضای اصلی احزاب دیگر نیز از مقام‌های دولتی شکل گرفته‌اند (Bader, 2010: 7). درنهایت باید اذعان کرد که احزاب در جوامع مدنی و حکومت‌های آسیای مرکزی، بیشتر به‌عنوان نوعی طرح (ایده) انتزاعی مطرح هستند تا واقعیتی سیاسی-اجتماعی. شکل‌گیری احزاب وابسته به حکومت به پشتوانه‌ای برای اقدام‌های اقتدارگرایانه رهبران سیاسی جمهوری‌های منطقه بدل شده‌است؛ این احزاب، بیش از آنکه منتقد برنامه‌های دولت باشند و برنامه‌های پیشنهادی خود را ارائه‌کنند، به نیروهایی برای تأیید برنامه‌های دولت و شخص رئیس‌جمهور تبدیل شده‌اند.

ج- ریشه‌های اقتصادی نئوپاتریمونالیسم در آسیای مرکزی

ازجمله دلایل اصلی نواقدرگرایی در آسیای مرکزی، معضلات اقتصادی است که در چارچوب الگوی نئوپاتریمونالیستی قابل بررسی است؛ البته این مفهوم، کمیت‌پذیر نیست و به همین دلیل، کمتر به مباحث نظری علم اقتصاد راه یافته‌است اما چنان‌که بیان شد، نئوپاتریمونالیسم، مفهومی میان‌رشته‌ای است که برای تبیین برخی موضوع‌های اقتصادی که از اساس، ماهیتی انسانی و غیرکمی دارند، مناسب به‌نظرمی‌رسد. رانتیریسیم، فقدان شفافیت، فساد اقتصادی و شکاف طبقاتی از دلایل اقتصادی بازتولید اقتدارگرایی در آسیای مرکزی هستند که در ادامه بررسی شده‌اند.

۱- اقتصاد رانتی^۱

اقتصاد همه کشورهای آسیای مرکزی، رانتی است اما همه آنها از منابع خام‌فروشی مواد معدنی (اولی بیشتر آلومینیوم و دومی، بیشتر طلا) تأمین می‌شوند؛ ازبکستان نیز مقادیری قابل توجه، اورانیوم، پنبه، طلا و ذخایر گاز دارد. منبع اصلی درآمدهای قزاقستان و ترکمنستان هم خام‌فروشی نفت و گاز است (Laruelle, 2012: 312). با عنایت به ساختار تک‌محصولی و رانتی کشورهای منطقه، مشکل اساسی کشورهای مزبور، توزیع مناسب درآمدها به‌گونه‌ای است که از نارضایتی عمومی و بروز بحران جلوگیری کنند (سیف‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۹). درآمدهای رانتی دولت باعث تضعیف جامعه مدنی در کشورهای منطقه شده‌است. عدم وجود نظام مالیاتی مشخص و حتی ارائه خدمات (آب، برق و گاز) رایگان به شهروندان، باعث رکود نهادهای مدنی و تقویت رفتارهای اقتدارگرایانه حکام شده‌است.

۲- پایین بودن شفافیت اقتصادی^۱

پایین بودن یا فقدان شفافیت اقتصادی در کشورهای منطقه از جمله دیگر عواملی است که در حوزه اقتصاد، بر اقتدارگرایی در آسیای مرکزی، تأثیرگذار است. ترکمنستان از ارائه آمارهای رسمی به نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی خودداری می‌کند (امیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱). در برخی از کشورها از جمله ازبکستان، دراصل، آمارهای مستند از سوی دولت منتشر نمی‌شوند و آنچه انتشار می‌یابد، اغلب، به صورتی قابل توجه با واقعیت فاصله دارد. عواید اقتصادی حاصل از فقدان شفافیت، به طور مستقیم، نصیب دولت می‌شود و به تقویت روندهای اقتدارگرایی کمک می‌کند (عزیزی، ۱۳۹۴: ۱)؛ زیرا مقام‌ها بدون دغدغه از تأثیر آمار و ارقام اقتصادی بر افکار عمومی جامعه عمل می‌کنند و به طور طبیعی، نیازی به پاسخ‌گویی در مقابل شهروندان احساس نمی‌کنند اما بر اساس گزارش برخی مؤسسات بین‌المللی می‌توان اطلاع نسبی از میزان شفافیت اقتصادی در این کشورها به دست آورد. طبق گزارش مؤسسه غیرانتفاعی خانه آزادی، ترکمنستان در میان ۱۶۸ کشور از لحاظ شفافیت اقتصادی در رتبه ۱۵۴ قرار گرفته است (Freedom House, 2016b: 9) و ازبکستان نیز با کسب امتیاز منفی ۶,۷۵ از ۷، در رتبه ۱۵۳ دنیا جای گرفته است (Freedom House, 2016c: 10).

۳- گسترده بودن فساد اقتصادی^۲

اگرچه فساد اقتصادی، مقوله‌ای مختص به رژیم‌های نواقدرگرا نیست، در این دست کشورها که ویژگی نئوپاتریمونیال دارند، فساد اقتصادی، حالت هرمی و سلسله‌مراتبی^۳ به خود گرفته است (Laruelle, 2012: 305)؛ به عبارت دیگر، فساد اقتصادی در آنها نهادینه شده است. شخصی که در رأس هرم قرار گرفته است، درآمدهای رانتی را از طریق واسطه‌ها^۴ و بی‌توجه به شایستگی و توانایی‌های اشخاص در میان پیروان خویش در جامعه توزیع می‌کند (Muno, 2010: 5). همان‌گونه که در بالا بیان شد، همه جمهوری‌های آسیای مرکزی، اقتصاد رانتی دارند. نحوه توزیع درآمدهای رانتی در رژیم‌های نئوپاتریمونیال به صورتی خاص انجام می‌گیرد که در راستای تقویت شبکه حامیان است؛ در این نوع رژیم‌ها توزیع بخش اعظم ثروت در شبکه‌های غیرقانونی و خارج از

1. Economic Transparency
2. Economic Corruptions
3. Hierarchical and Pyramidal Fashion
4. Brokers

ساختار رسمی دولت صورت می‌گیرد؛ این شبکه‌ها بیشتر متشکل از نزدیکان و دوستان سیاست‌مداران قدرتمند است (Nawaz, 2008: 2). براساس اطلاعات فاش شده از سرشماری سال ۲۰۱۲ در ترکمنستان، ۴ درصد جمعیت ترکمنستان، ۴۵ درصد ثروت این کشور را در اختیار دارد. دلارهای رانتی حاصل از فروش گاز، توسط تعدادی محدود از نخبگان سیاسی این کشور در بانک‌های خارجی پس‌اندازی می‌شود (Freedom House, 2016b: 9). طبق گزارش بانک جهانی،^۱ کشورهایی با نظام نئوپاتریمونالیستی، بیشترین شکاف را در ضریب جینی^۲ دارند که نشان‌دهنده توزیع نابرابر ثروت در آنهاست (Milanovic, 2003: 7-14).

د- ریشه‌های فرهنگی نئوپاتریمونالیسم در آسیای مرکزی

کارل ویتفوجل^۳ از معروف‌ترین نویسندگانی است که درخصوص ریشه‌های اقتدارگرایی در جوامع شرقی صحبت کرده‌است؛ وی در کتاب خود با عنوان *استبداد شرقی*^۴ در کنار عوامل اقتصادی و جغرافیایی استبداد، به برخی از ریشه‌های فرهنگی استبداد در جوامع شرقی نیز اشاره می‌کند (Wittfogel, 1967). نواقصدارگرایی در آسیای مرکزی، علاوه بر ریشه‌های سیاسی و اقتصادی، ریشه‌های فرهنگی نیز دارد که در قالب وفاداری‌های قومی و بحران هویت، قابل بررسی است.

۱- ساختار قومی و قبیله‌ای

هر پنج کشور آسیای مرکزی در مناطقی از کشور خود، دارای اقلیت‌های قومی هستند که از لحاظ نژادی با کشورهای همسایه تشابه دارند و با آنها همبستگی احساس می‌کنند؛ معضل یادشده در سیاست‌های قومی دوران اتحاد جماهیر شوروی ریشه دارد؛ این موضوع، سبب تمایل حکومت مرکزی کشورهای منطقه برای تمرکزگرایی و کنترل هرچه بیشتر اقوام شده‌است. کنترل شدید اقوام در دو طرف مرزها و اقدام‌هایی مانند بستن مرزها، جلوگیری از آموزش اقلیت‌ها به زبان مادری و مشارکت ندادن آنها در پست‌های مهم حکومتی، به بازتولید اقتدارگرایی در بلندمدت منجر می‌شود.

1. World Bank
2. Gini coefficient
3. Karl Wittfogel
4. Oriental Despotism

۲- بحران هویت

آسیای مرکزی از دیرباز، یکی از مراکز مهم تمدنی جهان به‌شمار می‌آمده‌است و اهمیتی بسزا در تحولات دوران باستان و سده‌های میانه داشته‌است؛ این منطقه، حکومت امپراتوری ایرانی، سیطره مغولان و حاکمیت ترکان، سلطه امپراتوری روسیه تزاری و سپس حکومت هفتادساله نظام سوسیالیستی شوروی را به خود دیده‌است؛ هریک از حکومت‌های بالا، تأثیر خاص خود را بر مردم این منطقه و هویت و باورهای آنان نهاده‌است (عطایی، ۱۳۸۷: ۱۹۰). مردم مسلمان آسیای مرکزی در دوران کمونیسم، به‌طورمستمر تحت تأثیر تبلیغ‌های شدید ضد اسلام قرارداشتند که نقطه اوج آن، سیاست‌های اسلام‌زدایی استالین بود اما هدف استالین، هیچ‌گاه به‌طورکامل محقق نشد (Lipovski, 1996: 2)؛ البته در نتیجه این اقدام‌ها منابع هویت سنتی به‌شدت آسیب‌دید و هویتی جدید نیز جایگزین آن نشد؛ به‌این ترتیب، بحران هویتی شکل‌گرفت (کازمی و نظامی، ۱۳۹۱: ۱۱۲) لذا با فروپاشی شوروی، مردم منطقه، توجه به اسلام را به‌عنوان بخشی قدیمی از هویت خود آشکار ساختند؛ این در حالی است که رهبران این منطقه، همچنان، اسلام سیاسی را رقیب خود برآورد کرده‌اند (کولایی، ۱۳۸۴: ۲۰۲)؛ باوجوداین، انکار کامل اسلام به‌عنوان یکی از منابع هویتی مردمان منطقه، امری امکان‌ناپذیر است لذا براساس الگوی نئوپاتریمونیالیستی، مبانی نظری هویت معاصر در این کشورها ترکیبی از اسلام، لیبرالیسم و کمونیسم است؛ به‌عبارت‌دیگر این کشورها هنوز، زیرسیستم هویتی مشخصی برای خود تعریف نکرده‌اند و به‌تبع آن نتوانسته‌اند، منافع ملی خود را که دربرگیرنده هویت ملی و ایدئولوژیک آنان است، به‌طورسازمان‌یافته بازتعریف کنند (آدمی، ۱۳۸۴: ۱۰)؛ به همین دلیل، نقش رهبران سیاسی در کنترل منابع هویتی کشورهایشان در راستای منافع به‌اصطلاح ملی، برجسته می‌شود که اغلب، به‌صورت اقتدارگرایانه و در جهت تقویت یا تضعیف یک بُعد از منابع هویتی اعمال شده‌است.

۳- جامعه مدنی

سیاست گلاسنوست و پروستریکای گورباچف در اواخر عمر اتحاد جماهیر شوروی، بسترهای اولیه شکل‌گیری جامعه مدنی را در آسیای مرکزی فراهم کرد (Sirojjon, 2015: 151). بهترین اصطلاح برای توصیف جامعه مدنی کشورهای آسیای مرکزی در عصر حاضر، پساتام‌گرایی^۱ است.

1. post-totalitarian

روشن‌فکران به‌عنوان بدنه اصلی جامعه مدنی در آسیای مرکزی بیش از آنکه نگاه ملی داشته‌باشند، قومی می‌اندیشند؛ انتقادهای جسته‌و‌گریخته این طیف به‌جای اینکه به ساختارهای حکومتی توجه‌کند، بیشتر درباره شخصیت مقام‌های حاکم است (Khazanov, 2010: 20-21). تاکنون دو موج اصلی کنترل جوامع مدنی در آسیای مرکزی از سوی حکام اتفاق افتاده‌است: نخستین موج، پس از وقوع انقلاب‌های رنگی در گرجستان، اوکراین و به‌خصوص قرقیزستان اتفاق افتاده و موج دوم از سال ۲۰۱۰ به بعد و در نتیجه تحولات موسوم به بیداری اسلامی و ترس از شیوع آن در منطقه رخ داده‌است (Ziegler, 2016: 2).

اگرچه براساس قانون، آزادی رسانه‌ها و آزادی اجتماع‌ها در ترکمنستان به‌رسمیت شناخته شده‌است، رسانه‌های موجود در ترکمنستان، به‌طورکامل دولتی هستند و دولت، رسانه‌هایی مانند اینترنت را محدود و کنترل می‌کند. تعداد بسیار معدودی از سازمان‌های مردم‌نهاد در ترکمنستان فعال هستند و سازمان‌هایی با اهداف سیاسی اجازه ندارند، فعالیت کنند (GAN, 2016). اگرچه عشق‌آباد از اسلام به‌عنوان منبعی هویتی در دوران پس از استقلال استفاده کرده‌است، حکومت ترکمنستان، نهاد دین را به‌عنوان یکی از پایه‌های جامعه مدنی تحت کنترل دارد؛ رئیس‌جمهور این کشور از طریق شورای امور مذهبی،^۱ مقام‌های ارشد اجتماع‌های دینی را تعیین می‌کند؛ همچنین، این شورا، مکتوب‌ها و برنامه‌های اسلامی را کنترل و از گسترش دانش اسلامی در جامعه جلوگیری می‌کند (BTI, 2016b: 7). کشورهای آسیای مرکزی، جوامع مدنی بسته‌ای دارند؛ ضعف جامعه مدنی در این کشورها در «سنت‌های پدرسالارانه، اطاعت بی‌قیدوشرط همگانی،^۲ احترام به اقتدار و اطاعت از بزرگ‌ترها» ریشه دارد؛ ویژگی‌های بالا به‌همراه اقتصاد رانتیر سبب شده‌است که ازبکستان و ترکمنستان، جامعه مدنی بسته‌ای داشته‌باشند. اقتصاد تک‌محصولی ازبکستان (پنبه) در دوران شوروی عاملی بود که زنان و کودکان برای کار در مزارع گمارده‌شوند و از تحصیل محروم‌بمانند (Ziegler, 2010: 800).

نتیجه‌گیری

آسیای مرکزی در حال گذار از ساختارهای سنتی به مدرن است؛ به همین دلیل، مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن در وضعیتی بینابینی به‌سرمی‌برند. دوران گذار اگرچه باعث فاصله‌گرفتن کشورهای منطقه از الگوهای کلاسیک اقتدارگرایانه شده‌است، شکلی نوین از پدیده

1. Council for Religious Affairs (CRA)
2. Popular submissiveness

اقتدارگرایی را نیز ایجاد کرده‌است. دکتر سید حسین سیف‌زاده، انواع اقتدارگرایی را در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بدین شکل تقسیم‌بندی کرده‌اند: دیکتاتوری مصلح (گرجستان، ارمنستان و قرقیزستان)، اقتدارگرایی رمانتیک (آذربایجان و ازبکستان)، اقتدارگرایی پاتریمونیال (قزاقستان و ترکمنستان) و اقتدارگرایی مابوکراتیک (تاجیکستان)؛ اگرچه ایشان، تعریفی مشخص از انواع اقتدارگرایی‌های که از آنها نام برده‌اند، ارائه نکرده‌اند، همه آنها را واجد ویژگی‌هایی مشترک از قبیل قوم‌گرایی، خانواده‌سالاری و رجحان منطقه‌گرایی بر ارزش‌های ملی می‌دانند؛ براساس همین امر، می‌توان همه آنها را در زیرمجموعه نواقدرگرایی جای داد که تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی قرار دارند؛ در مقاله پیش‌رو تلاش شد، زمینه‌های داخلی نواقدرگرایی در این کشورها بررسی شوند. «ریشه‌های داخلی نواقدرگرایی در آسیای مرکزی، شامل مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است»؛ در این نوشتار، مهم‌ترین شاخصه‌های عوامل سه‌گانه بالا بررسی شد. جمهوری‌های تازه‌استقلال یافته پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با میراثی هفتادساله، مواجه بودند که نشانی از دموکراسی و مشارکت در آن نبود؛ البته تعلیق یا شکست گذار به دموکراسی در منطقه نه تنها کارکرد دستگاه‌های قدرت و باندهای بازمانده از دوران اتحاد جماهیر شوروی است بلکه به عواملی مانند فرهنگ سیاسی، نخبگان سیاسی، اقتصاد رانتی و فساد مالی برمی‌گردد؛ به عبارت دیگر، ساختارهای حکومتی به‌ظاهر مدرن در آسیای مرکزی، از میراث نظام‌های سیاسی اقتدارگرا در قرون متمادی متأثرند که اغلب بر مبنای انتخاب شناختی نبوده است. سنت‌های پدرسالارانه و جهت‌گیری‌های قومی - قبیله‌ای در ساختار اجتماعی مردمان این منطقه، به همراه ضعف ساختارهای اقتصادی و سیاسی، به بازتولید روح اقتدارگرایی در کالبدی مدرن انجامیده است؛ به بیانی دیگر، ذهنیت و ساختاری دوگانه پدیدآمده است که در آن، پدرسالاری و میراث ادوار گذشته در کنار دستگاه‌ها و امکانات عصر مدرن به حیات خویش ادامه می‌دهند. نواقدرگرایی کشورهای این منطقه در چارچوب الگوی نئوپاتریمونیالیستی، بهتر قابل درک است. رژیم‌های نئوپاتریمونیال، محصول همنشینی دوگانه‌هایی متناقض، مانند «آزادی/محدودیت، دموکراسی/استبداد، ضابطه/ابطه و مدرنیسم/سنت» در کنار یکدیگر هستند؛ هریک از دوگانه‌های بالا در قالب محورهایی نظیر «ساختار قانونی، کیش شخصیت، جامعه مدنی، اقتصاد رانتی، فساد مالی، قوم‌گرایی، بحران هویت و فرهنگ تبعی» قابل تبیین است؛ بیان این نکته نیز ضروری است که رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی، باعث تشدید روند نواقدرگرایی شده است. بررسی نقش عوامل خارجی در تشدید روند اقتدارگرایی در آسیای

مرکزی، به پژوهشی مجزا نیاز دارد که می‌تواند مورد توجه پژوهشگران بعدی قرار گیرد.

منابع

۱- منابع فارسی

- آدمی، علی (۱۳۸۴)؛ *انقلاب‌های رنگی؛ نقش عوامل درونی یا دخالت نیروهای بیرونی*، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، دوره ۱، شماره ۳-۶.
- آمیدی، علی؛ احسان فلاحی و زهرا آقامحمدی (۱۳۹۴)؛ «تأثیر سیاست خارجی ترکمنستان بر اقتصاد آن» *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*؛ دوره ۲۱، ش ۹۱.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)؛ *جامعه‌شناسی سیاسی*؛ چ ۱۴، تهران: نشر نی.
- *روزنامه جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۹۵)؛ ستون جهت اطلاع، یکشنبه ۶ تیر ۱۳۹۵.
- ساموئل، هانتینگتون (۱۳۷۱)؛ *سامان سیاسی در جوامع دست‌خوش دگرگونی*؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: نشر علم.
- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۷۵)؛ «بحران و ساختار تعارضات در آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*؛ دوره ۲، ش ۱۵.
- شیرخانی، محمدعلی و کانستنتین داناپولوس (۱۳۷۷)؛ «رابطه لشگری-کشوری در دوران بعد از حکومت‌های خودکامه در آسیای مرکزی»، *مجله حقوق و علوم سیاسی*؛ دوره ۴۲، ش ۱.
- شیرمحمدی، طاهر و جواد طالعی (۲۰۱۱)؛ رهبران آسیای میانه و رواج شدید کیش شخصیت، دویچه‌وله فارسی، قابل دسترسی در: <http://www.dw.com/fa-ir/a-15585355>. تاریخ دسترسی، ۱۳۹۵/۸/۱۶.
- عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۴ الف)؛ زمینه‌های داخلی و خارجی اقتدارگرایی در آسیای مرکزی،

ایراس، قابل دسترسی در: <http://iras.ir/images/docs/files/000000/nf00000962-1.pdf>

تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۸/۸.

- عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۴ب)، زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اقتدارگرایی در آسیای مرکزی، ایراس، قابل دسترس در: <http://www.iras.ir/fa/doc/article/950>. تاریخ دسترسی، ۱۳۹۵/۸/۲۹.

- عطایی، فرهاد (۱۳۸۷)؛ «هویت ملی و ملت‌باوری در آسیای مرکزی»، *فصلنامه سیاست*؛ ش ۶.

- کاظمی، حجت و مریم نظامی (۱۳۹۱)؛ «زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری بحران‌های قوم‌گرایی، محلی‌گرایی و بنیادگرایی در آسیای مرکزی»، *فصلنامه مطالعات میان فرهنگی*؛ سال ششم، ش ۱۴.

- کولایی، الهه (۱۳۸۴)؛ «زمینه‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*؛ ش ۶۷.

- وبر، ماکس (۱۳۷۴)؛ *اقتصاد و جامعه*؛ ترجمه عباس منوچهری و دیگران؛ تهران: مولی.

۲- منابع انگلیسی

- Bader, Max (2010), The Curious Case of Political Party Assistance in Central Asia, OSCEAcademy Bishkek Kyrgyzstan, Available in PDF at: http://w.osce-academy.net/upload/file/osce_academy_paper.pdf, Accessed on: 17 January 2017.
- Beacháin, Donnacha (2009), Tulip Revolution, Kyrgyzstan, in Immanuel Ness (ed), International Encyclopedia of Revolution and Protest, Blackwell Publishing.
- Bohr, Annette (2012), Turkmenistan, in Nations in Transit 2012, Freedom House.
- BTI (2016a), "Uzbekistan Country Report", Available at: <http://www.bti-project.org/en/reports/country-reports/detail/itc/UZB/>, Accessed on: 13 January 2017.
- BTI (2016b), "Turkmenistan Country Report", Available at: <http://www.bti->

- project.org/en/reports/country-reports/detail/itc/TKM/, Accessed on: 14 January 2017.
- Eisenstaedt, Shmuel (1973), Traditional patrimonialism and modern neopatrimonialism, London: Sage Publications.
 - Erdmann, Gero& Engel, Ulf (2006), Neopatrimonialism Revisited– Beyond a Catch-All Concept, German Institute of Global and Area studies (GIGA), Working paper.
 - Erdmann, Gero& Engel, Ulf (2007), “Neopatrimonialism Reconsidered: Critical Review and Elaboration of an Elusive Concept”, Commonwealth & Comparative Politics, Vol. 45, No. 1.
 - Fisun, Oleksandr (2012), Rethinking Post-Soviet Politics from a Neopatrimonial Perspective", The Journal of Post-Soviet Democratization, Vol. 20, No. 2.
 - Freedom House (2015), Freedom in world 2015, Available at: <https://freedomhouse.org/report/freedom-world/freedom-world-2015#.WHafaBsrl2w>, Accessed on: 17, July, 2016.
 - Freedom House (2016a), Nations in Transit 2016, Available at: <https://freedomhouse.org/report/nations-transit/nations-transit-2016>, Accessed on 11 January 2017.
 - Freedom House (2016b), Turkmenistan 2016, Available at: <https://freedomhouse.org/report/nations-transit/2016/turkmenistan>, Accessed on: 11 January 2017.
 - Freedom House (2016c), Uzbekistan 2016, Available at: <https://freedomhouse.org/report/nations-transit/2016/uzbekistan>, Accessed on: 18 January 2017.
 - GAN (2016), Turkmenistan Corruption Report, business anti-corruption PORTAL, Available at: <http://www.business-anti-corruption.com/country-profiles/turkmenistan>, Accessed on: 12 January 2017.

- Giersch, Carsten (2012), *Preparing for Leadership Succession – Political Risk Scenarios in Central Asia*, *Global Risk Affairs*, Available at: <http://www.globalriskaffairs.com>, Accessed on: 16 July 2016.
- Global Security (2013), *Uzbekistan - Political Parties*, Available at: <http://www.globalsecurity.org/military/world/centralasia/uzbek-political-parties.htm>, Accessed on 17 January 2017.
- Isaacs, Rico (2015), *Charismatic Routinization and Problems of Post-Charisma Succession in Kazakhstan, Turkmenistan and Uzbekistan*, *Studies of Transition States and Societies*, Vol. 7, No. 1.
- Khazanov, Anatoly (2010), "Authoritarianism and its consequences in ex Soviet Central Asia", in Robert L. Canfield & Gabriele Rasuly-Paleczek (ed), *Ethnicity, Authority, and Power in Central Asia New games great and small*, New York: Routledge.
- Kuru, Ahmet (2002), "The Rentier State Model and Central Asian Studies: The Turkmen Case", *Alternatives: Turkish Journal of International Relations*, Vol. 1, No. 1.
- Laruelle, Marlene (2012), "Discussing neopatrimonialism and patronal presidentialism in the Central Asian context", *Demokratizatsiya*, Vol. 20, No. 4.
- Lewis, David (2012), "Understanding the Authoritarian State: Neopatrimonialism in Central Asia", *Brown Journal of World Affairs*, Vol. XIX, No. 1.
- Li, He (2015), *Political Thought and China's Transformation*, Palgrave Macmillan.
- Lipovsky, Igor (1996), "The Awakening of Central Asian Islam", *Middle Eastern Studies*, Vol. 32, No. 2.
- Melvin, Neil J (2004), *Authoritarian Pathways in Central Asia: A Comparison of Kazakhstan, the Kyrgyz Republic and Uzbekistan*, in Yaacov Roi (ed), *Democracy and Pluralism in Muslim Eurasia*, London & New York: Frank Cass.
- Milanovic, Branko (2003), "Is inequality in Africa really different?," *World Bank*

Policy Research Working Paper, No. 3169.

- Muno, Wolfgang (2010), Conceptualizing and measuring clientelism, In Paper to be presented at the workshop on Neopatrimonialism in Various World Regions, GIGA German Institute of Global and Area Studies, Hamburg.
- Nawaz, Farzana (2008), Corruption and resource distribution inneopatrimonial systems, U4 Expert Answer Report.
- OECD (2015), Anti-Corruption Reforms in Uzbekistan, Paris: organisation for economic co-operation and development.
- Olcott, Marhta Brill (1992), "Central-Asia Post-empire Politics", ORBIS-A Journal of world affairs, Vol. 36, No. 2.
- Omelicheva, Mariya Y (2016), "Authoritarian legitimation: assessing discourses of legitimacy in Kazakhstan and Uzbekistan", Central Asian Survey, Vol. 35, No. 4.
- OSCE (2014), Turkmenistan Parliamentary Elections, Warsa: OSCE/ODIHR Election Assessment Mission Final Report
- Sirojjon, Berdikulov (2015), Formation of Multiparty System in Uzbekistan, 1985-2014, Himalayan and Central Asian Studies, Vol. 19, No 3/4.
- Snyder, Richard (1992), "Explaining Transitions from Neopatrimonial Dictatorships", Comparative Politics, Vol. 24, No. 4.
- Spechler, Martin C (2008), The Political Economy of Reform in Central Asia, New York: Routledge.
- Starr, Frederick (2006), Clans, Authoritarian Rulers, and Parliaments in Central Asia, Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program, Johns Hopkins University.
- Wittfogel, Karl (1967), Oriental despotism A comparative study of total power, New Haven & London: Yale university press.

- این اثر با مشخصات روبه‌رو به فارسی ترجمه شده است: کارل، ویتفوجل (۱۳۹۲)؛ استبداد شرقی بررسی تطبیقی قدرت تام؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: نشر ثالث.

- Ziegler, Charles E (2010), "Civil society, political stability, and state power in Central Asia: cooperation and contestation", *Democratization*, Vol. 17, No. 5.
- Ziegler, Charles E (2016), "Great powers, civil society and authoritarian diffusion in Central Asia", *Central Asian Survey*, vol. 35, No. 4.